

سیاهی لشکر در قاب کوچک



هنرپیشه نقش اول با چوبدستی بزرگ و خشم و نفرتی که در صورتش هویداست جلودار است و پشت سر او گروهی شعار می‌دهند و می‌روند و در نقطه‌ای که روبه‌رویشان ضد قهرمان داستان ایستاده است، متوقف می‌شوند.

جام جم آنلاین: هنرپیشه نقش اول با چوبدستی بزرگ و خشم و نفرتی که در صورتش هویداست جلودار است و پشت سر او گروهی شعار می‌دهند و می‌روند و در نقطه‌ای که روبه‌رویشان ضد قهرمان داستان ایستاده است، متوقف می‌شوند. قرار است دروازه شهر را بشکنند. بیش از 10 هزار سوار پشت دروازه‌های شهر ایستاده و با یک فرمان کارگردان باید باز شود و جمعیت به داخل هجوم آورند. هیچ‌کدام سوارکار حرفه‌ای نیستند. هیچ‌کدام هم هنرپیشه حرفه‌ای نیستند. فقط در حد چند دقیقه‌ای گروه کارگردانی یا مسوول هنروران برای آنها توضیح داده که چه باید بکنند. کارگردان فرمان شروع را صادر می‌کند. جمعیت به دروازه شهر هجوم می‌آورد. خیلی‌ها در کار خود جدی هستند، اما در میان این 10 هزار نفر هم کم نیستند آنها که حتی نمی‌توانند مانع خنده خود شوند، بویژه که بیشتر این افراد سرباز و جوان هستند و بی‌تفاوت به اهمیت آنچه قرار است مخاطب در فیلم ببیند به ساعتی کنار هم‌سن و سال‌های خود دلخوش هستند. علاوه بر این‌که چنین مساله‌ای از گروه تولید انرژی زیادی می‌گیرد. ممکن است صحنه‌هایی از اشتباهات یا خنده‌های این افراد از چشم گروه تولید پنهان بماند و در چشم مخاطب آشکار شود.

این اتفاق در فیلم‌ها و سریال‌هایی می‌افتد که به جمعیت زیادی به عنوان سیاهی‌لشکر یا هنرور نیاز دارند، اما در بیشتر فیلم‌ها و سریال‌ها صحنه‌هایی وجود دارد که باید غیر از هنرپیشه‌های اصلی گروه دیگری هم در پس‌زمینه وجود داشته باشند، مثلاً صحنه یک دعوی خیابانی یا حتی خرید از یک سوپرمارکت یا...

برای انتخاب این افراد که حالا چند سالی است از آنها به عنوان هنرور یاد می‌شود 2 راه وجود دارد. یکی شرکت‌هایی که این افراد را جذب کرده و به گروه‌های تولید معرفی می‌کنند. یکی هم افراد حقیقی که با گروه‌هایی از این افراد در تماس هستند و می‌توانند آنها را به گروه‌های تولید معرفی کنند. در تیتراژ فیلم‌ها و سریال‌ها نام این افراد به عنوان مسوول هنروران ثبت می‌شود.